

نگاه

جای خالی گزینش منطقی در انتصاب مدیران آموزش و پرورش

حسن ذاکری

دبیر آموزش و پرورش

می‌دانیم فنداسیون یک نهاد تأثیرگذار در توسعه کشور مثل آموزش و پرورش، مدیران شایسته هستند که بر مبنای انتصاب‌های منطقی و بدون چالش انتخاب می‌شوند که با تخصصی آمیخته با دلسوزی و مدیریت سالم خویش نظام تربیتی را به سوی اهداف متعالی مطرح‌شده در سند چشم‌انداز رهنمون می‌شوند. حال دوشادوش جناب وزیر به وزارتخانه متبوعه نگاهی دقیق و منتقدانه می‌اندازیم باشد که مفید افتد.

آقای وزیر، اولین سؤال مهم در این مبحث این است که آیا همچنان که معلمان چندساحتی می‌خواهید، انتصابات شما بر همین اساس انجام می‌شود؟ آیا مدیران شما در هر سطحی که انتخاب می‌شوند، ویژگی‌های متنوع و توانمندی‌های لازم در همه ساحت‌های چندگانه آموزش و پرورش را دارند؟ اگر چنین است، چرا در عمل معیارهای غیرتخصصی پیداست؟ آیا در این عرصه روابط شخصی، جناحی، سیاسی و ایدئولوژیک بر شایستگی‌های علمی و مدیریتی ارجح نیست؟

آقای وزیر، در یادداشت قبل معروض داشتم که در دانشگاه فرهنگیان رشته مدیریت آموزشی و پرورشی وجود ندارد، پس هنگام انتخاب و انتصاب چه معلومات آکادمیکی به عنوان صفات بارز منتخب منجر به انتصاب او می‌شود؟ یک دبیر شیمی یا ریاضی یا تاریخ چه اطلاعات مدیریتی دارد که در صندلی ریاست بنشیند؟ باور بفرمایید معیارهای غیرتخصصی و ناشفاف، مدیریت سردرگمی را ساندویچ کرده و در دهان همیشه گرسنه آموزش و پرورش نهاده است. شما آیا جای آزمون‌های استاندارد مثل آزمون رهبری و برنامه‌ریزی آموزشی و گزینش منطقی در انتصاب‌ها را خالی نمی‌بینید؟

جناب وزیر بگذارید شفاف بگویم، انتخاب در این وزارتخانه شفاف نیست.

تخصص و تعهد علمی آموزشی، گزینه‌های کم‌رنگ، در سؤال چندگزینه‌ای انتصابات است؛ زیرا کم‌توجهی به تخصص و تجربه

مدیریتی بارها مشاهده شده است.

من در این چند دهه خدمتم بارها این معضل را دیده‌ام که برخی از مدیران مدارس یا مناطق و حتی کارشناسان ادارات سابقه تدریس یا دانش و مهارت علمی و عملی لازم را نداشتند و بزرگ‌ترین دلیل انتخاب ایشان فعالیت سیاسی در فلان ستاد انتخاباتی یا وابستگی به فلان جناح سیاسی بوده است. به نظر من اگر یک همکار شایسته کشف کردید، حتی از جناح مقابلتان هم که باشد، باید او را با چنگ و دندان حفظ کنید.



چقدر تعجب‌آور است که هنگام تعویض جناح در کابینه دولت، هنگامه تعویض مدیرکل و مدیر منطقه و مدیر مدرسه است. آیا خنده‌آور نیست هنگامی که نماینده مجلس در یک شهر، به‌ویژه شهرهای کوچک تعویض می‌شود، ساختار مدیریت به‌ویژه در آموزش و پرورش آن منطقه زیروو می‌شود؟ در کدام کشور توسعه‌یافته تعویض دولت یا نماینده یعنی سونامی اسفباری با این مدل؟

اگر نیک بنگرید، شایستگی معیاری نیست که فدای جاه‌طلبی جناح‌های سیاسی، و تحکیم ایدئولوژیک بشود و عقده‌گشایی سیاسی کیفیت آموزش و پرورش را تحت‌الشعاع قرار دهد.

آقای وزیر، لازم است بدانیم که چرخش مدیریت به دلایل فوق، بی‌ثباتی در استراتژی و برنامه‌ریزی آموزشی این نهاد مهم را همراه دارد که کاهش مسئولیت‌پذیری مدیران نتیجه آن است. من یک بازه زمانی چندماهه هدررفته را برای مدیری که صندلی خود را با چرخش قدرت سیاسی، از دست‌رفته دیده است به چشم خود دیده‌ام؛ زیرا او از این پس به توانمندی خود متکی نبوده و شایستگی خود را محو می‌بیند؛ چراکه آژیر مدیریت جدید به صدا درآمده است. آیا در این وزارتخانه شایسته‌سالاری جای خود را به چپ‌سالاری، راست‌سالاری، نماینده‌سالاری، تلفن‌سالاری و... نداده است؟

آقای وزیر، لطفا بفرمایید جایگاه زن و همکاران زن ما در ساختار مدیریتی به‌ویژه در سطح مدیریت و معاونت و کارشناسی‌های ادارات و ادارات کل چه اندازه است؟ آیا زنان توانمند کم پیدا می‌شوند؟

جناب وزیر، وحدت رمز پیروزی بود؛ اینکه یادتان هست؟ چرا یک آموزش و پرورش پویا نتواند مدیرکل یا مدیر منطقه یا معاونت منطقه از جنس اهل سنت داشته باشد؟ یعنی همه هم‌وطنان اهل سنت ما در آموزش و پرورش از شایستگی بی‌بهره‌اند که حتی در سطح انتخاب معاونت آموزشی یک منطقه این عوجاج فرهنگی موج بزند؟ آیا اهداف حزبی و ایدئولوژیک عدالت آموزشی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؟ آیا فضای بی‌اعتمادی و کاهش انگیزه شایستگان را حس نکرده‌اید؟ شما باید آن‌قدر منیع فکر کنید که بدون ترس و اضطراب در اتاق وزارت، علاوه بر اهل سنت حتی هم‌وطنان مسیحی و... ما حضور داشته باشند. آیا هنوز وقت آن نرسیده است که در انتخاب مدیران توانمند از گروه‌های صنفی موجود در آموزش و پرورش نظرخواهی کرد؟ آیا ارتقای نگرش در این زمینه موجب شفافیت معیارها و ثبات مدیریت نمی‌شود؟

آقای وزیر، آیا می‌دانید در برخی شهرها قدرت مدیر شما در لغو یا ابقای حتی کارشناس اداری یا مدیر مدرسه خود از قدرت دفتر نماینده مجلس کمتر است؟ آیا می‌دانید که فشارهای برون‌سازمانی ساختار سازمانی شما را شکل می‌دهد؟ آیا می‌دانید اگر مدیر شما در انتصاب خویش قائم‌به‌ذات و متکی به شایستگی خود باشد، دیگر هیچ نیروی برون‌سازمانی نمی‌تواند آنچه را بخواهد به او تحمیل کند؟ من معتقدم اگر عزم راسخ در خروج از رابطه‌محوری و عروج به سوی شایسته‌محوری را برگزینید، کارایی مدارس ارتقا می‌یابد و آسیب‌های آموزشی و تربیتی به‌شدت افت می‌کند. به امید آن روز.

شادی مکی: «انسان‌ها می‌کشتند و آنها نجات می‌دادند»؛ این جان

کلام فعالیت سگ‌های زنده‌یاب در جریان ۱۲ روز جنگ اسرائیل علیه ایران است. حالا دیگر کمتر شهروند ایرانی است که نام «چارلی» و «آلوین»، دو قربانی کوچک این جنگ ناخواسته را نشنیده باشد؛ دو سگ تیم تجسس هلال‌احمر که در صحنه امداد‌رسانی به انسان‌های حادثه‌دیده از این حملات، قلب‌های کوچک‌شان برای همیشه از تپش افتاد. مرگ تلخ این امدادگران برای مریبان آنها هم ضربه‌ای سنگین بود. آنها در گفت‌وگو با «شرق» شرح می‌دهند که این دو سگ امدادگر چگونه در میان آوارها برای نجات جان‌های زنده از زیر آوار یا یافتن ردی از پیکر جان‌باختگان تلاش کردند. مرگ آنها نه‌تنها برای مریبان‌شان، بلکه برای جامعه ایران ناگوار بود. مریبان تیم‌های آنت (آمادگی و نگهداری از سگ‌های تجسس) تهران و شهریار به «شرق» توضیح می‌دهند هم‌تیمی‌هایشان با وجود سختی و استرس بسیار در طول هر شبانه‌روز در چندین عملیات شرکت می‌کردند؛ هم‌تیمی‌های وفاداری که مربی خود را تنها نمی‌گذاشتند، مگر به وقت مرگ درست مانند «چارلی» و «آلوین». روی آوارهای داغ و بدبو و در هیاهوی موشک و انفجار همه تلاش این امدادگران متوجه نجات زندگان و شناسایی پیکر‌ها بود. تلاش این نجاتگران برای امداد‌رسانی به حدی بود که به گفته رضا مؤمنی، رئیس اداره عملیات جست‌وجو و آنت سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر، سگ‌های تجسس در جریان این جنگ، ۱۵ نفر را نجات داده و پیکر ۱۸۸ شهید دیگر را شناسایی کردند. او به «شرق» توضیح می‌دهد که تعدادی از این سگ‌ها در صحنه امداد دچار جراحات جزئی شدند، اما خبر خوش اینکه هیچ‌یک از آنها جراحات جدی ندیدند. خبرنگار «شرق» برای یادآوری زحمات تیم‌های تجسس به یکی از مراکز آنت (آموزش و نگهداری سگ‌های تجسس) استان تهران رفت و دقایقی بعد گروه آنت‌ست یکی از واحدهای شهربان شهریار نیز به این گروه ملحق شدند تا مریبان در کنار هم‌تیمی‌هایشان از روزهای سخت امداد بگویند. اما مریبان «چارلی» و «آلوین»، به استان خود بازگشته بودند و گفت‌وگو با آنها به صورت تلفنی انجام شد.

قهرمان کوچک

«چارلی» سگ امدادگری است که بعد از سه روز کار ممتد و به دنبال دومین اصابت موشک به «زندان اوین» قلب کوچکش طاق‌ت نیابود و در مسیر نجات جان انسان‌ها برای همیشه از تپش ایستاد. مرتضی تاجدار، مربی «چارلی»، به «شرق» می‌گوید: «کمر من بعد از این عملیات خم شد». تاجدار و «چارلی» عضو تیم تجسس استان خراسان جنوبی بودند و برای کمک به عملیات امداد و نجات تهران عازم پایتخت شدند؛ مأموریتی که سرنوشتی تلخ برای هر دو آنها رقم زد: «همان روزی که برای امداد به تهران اعزام شدم، خبر رسید که همسر سقط جنین کرده است؛ جنینی



عکس هاشمیپند تانگی شرق

گزارش میدانی «شرق» از نقش آفرینی سگ‌های تجسس هلال‌احمر؛ روایت مریبان و جزئیات مرگ دو سگ جست‌وجوگر در عملیات

انسان‌ها می‌کشتند، آنها نجات می‌دادند

مرتضی تاجدار، مربی یکی از سگ‌های تجسس قربانی شده، می‌گوید همان روزی که برای امداد به تهران اعزام شد،

خبر رسید همسرش سقط جنین کرده‌است و در جریان عملیات هم «چارلی» را از دست داد، جنگ جان ۲ فرزندش را گرفت

۱۵روزه که نه همسرم و نه من از وجودش خبر نداشتیم. اما شرایط زمانی سخت‌تر شد که «چارلی» را هم از دست دادم. واقعیت این است که در طول زمان، سگ برای مربی مانند یک عضو خانواده و حتی مانند فرزند می‌شود. من دو فرزند را در این مأموریت از دست دادم. وقتی به شهرم برگشتم، چند ساعت گریه کردم». «چارلی» هفت‌ساله بود و از سه سال پیش تاکنون مسئولیت مربیگری او به تاجدار سپرده شد: «چارلی» در زلزله افغانستان و حوادث دیگر حضوری موفق داشت. وقتی برای امداد‌رسانی به تهران اعزام شدیم، او در سلامت کامل بود. یک روز قبل از جان‌باختنش با وجود فعالیت زیاد مشکل خاصی نداشت. روز حادثه، روی آوارهای اداره برق در حال جست‌وجو بود. من ناراحتی خاصی در او ندیدم، حتی وقتی دستور اعزام به زندان اوین صادر شد، «چارلی» را روی شانه‌هایم گذاشتم و سه طبقه را پایین آمدم تا او خسته نشود». او ادامه می‌دهد: «قبل از شروع عملیات در زندان اوین، بنا بر روال معمول او را برگوازی کردم، به دست و صورتش آب زدم و اقدامات لازم را انجام دادم. اما وقتی روی آوارهای زندان قرار گرفت و دستور جست‌وجو دادم، تنها پنج، شش متر از من دور شد و بعد شروع به نفس‌نفس‌زدن کرد؛ به نحوی که فکر کردم از ناحیه ریه دچار آسیب شده است». درست زمانی که تاجدار سعی می‌کرد به «چارلی» کمک کند، دومین حمله موشکی به زندان صورت می‌گیرد و صدای انفجار سگ امدادگر را به‌شدت ترساند و حالش را وخیم‌تر کرد: «قلاده‌اش را باز کردم اما شرایطش بهتر نشد. آدرس یک کلینیک دامپزشکی در همان حوالی را به من دادند. تهران را نمی‌شناختم و مسیربابا‌هم قطع شده بود. به‌سختی کلینیک را پیدا کردم و «چارلی» را به دامپزشک سپردم. با توجه به اینکه زبان «چارلی» کبود شده بود، درمان را به‌سرت شروع کردند، اکوی قلب نشان داد که در این ناحیه دچار مشکل شده، نظر پزشک این بود که «چارلی» سخته کرده است». بعد از ساعتی شرایط «چارلی» بهتر شد و مرخصش کردند. پزشک تأکید کرد دوره فعالیت حرفه‌ای او تمام شده؛ «یک‌ربع بعد از حرکت خودرو به سمت استقرار تیم آنت‌ست، حالش بد شد و استفرغ کرد. ماشین را متوقف و دهانش را تخلیه کردیم. اما یک‌ربع بعد بار دیگر حال «چارلی» بد شد، دست‌وپایی زد و نفسش رفت. به او تنفس دادم و عملیات سی‌پی‌آر انجام دادم اما «چارلی» برگشت. سعی کردیم کلینیک دیگری در همان نزدیکی پیدا کنیم اما همه تعطیل بودند. وقتی به محل استقرارمان رسیدیم «چارلی» همان‌جا و در آغوش من ناله‌ای کرد و جاننش رفت». این قهرمان کوچک در پایگاه شرق خراسان جنوبی و در محوطه مرکز تیم آنت‌ست به خاک سپرده شد.

مرگ بعد از نجات یک انسان

«آلوین» هم یکی دیگر از سگ‌های نجات‌دهنده‌ای است که

در جریان امداد‌رسانی به حادثه‌دیدگان جنگ جانش را از دست داد. مربی او «محمدامین شاهکویی»، مسئول مرکز جست‌وجو و نجات استان سمنان، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که «آلوین» اگر زنده بود، هشت روز دیگر هشت‌ساله می‌شد. او سال ۱۳۹۶ وارد تیم شد و بعد از گذراندن دو سال دوره آموزشی وارد مرحله عملیات تجسس و زنده‌یابی شد. «آلوین» چند ساعت بعد از آغاز حملات اسرائیل همراه با مربی خود از سمنان راهی تهران شد: «ساعت ۹و نیم صبح به تهران رسیدیم، اولین مأموریت هم مربوط به محله نارمک بود. در عملیات جست‌وجوی مجتمع کوی اساتید سرو هم «آلوین» قطعاتی از پیکر را شناسایی و پیدا کرد که برای انجام آزمایش‌های لازم به آتش‌نشانی سپرده شد». شاهکویی درباره جان‌باختن «آلوین» می‌گوید: «ظهر ۲۶ خرداد و در سومین روز حملات به خیابان صابونچی اعزام شدیم. ساعت ۱۷ بعدازظهر عملیات جست‌وجو را شروع کردیم. چند ساعت در شرایط شلوغی، حجم زیاد دود و غبار و... عملیات را ادامه دادیم. حتی «آلوین» و یکی دیگر از سگ‌های تجسس در همان منطقه یک فرد زنده را که زیر آوار مانده بود، شناسایی کرده و نجات دادند. ساعت ۱۱ شب پایان عملیات ما را اعلام کردند. ما به محل استقرارمان رفتیم. «آلوین» غدایش را خورد و رسیدگی‌های لازم را هم دریافت کرد. حدود ساعت ۲:۴۰ امداد بود که خیابان‌های اطراف محل استقرار ما مورد حمله قرار گرفت. آن شب صدای انفجار زیاد بود و این موضوع باعث شد «آلوین» بعد از انجام یک عملیات سنگین و در زمان استراحت با استرس شدیدی مواجه شود». صبح زود یکی از مریبان برای رسیدگی به «آلوین» و آماده‌سازی او برای انجام عملیات بعدی سراغش رفت، اما با پیکر بی‌جان او مواجه شد. درحالی‌که از گوش و دهان او خون بیرون زده بود: «دامپزشک درباره علت مرگ «آلوین» دو احتمال مطرح کرد؛ مرگ بر اثر اشتقاق گاز سمی در صحنه حادثه یا سکنه بر اثر شوک و استرس بیش از حد تحملش».

«ژیرو» پیکر ۳ شهید را شناسایی کرد

کیانوش فلاحی، عضو تیم آنت‌ست هلال‌احمر منطقه ۲۲ شهر تهران هم مربیگری «ژیرو» را بر عهده دارد. سگ نر یک سال و دوماهه‌ای که از ۲۵روزی همراه فلاحی بوده است. «ژیرو» از همان دقایق ابتدایی حضور گروه خبری «شرق»، سرش را به انبجیره اتاقش بیرون آورده بود و با کنجکاوی و اشتیاق به ملاقات‌کنندگان نگاه می‌کرد. او مهربان و سخاوتمندانه به وانکش‌ها پاسخ می‌داد، بدون اینکه نشانه‌ای از آشفته‌گی ناشی از ۱۲ روز عملیات سخت و طاقت‌فرسا داشته باشد. به گفته فلاحی، تیم او و «ژیرو» از همان دقایق ابتدایی آغاز حملات سفر امدادگرانه خود را به نقاط مختلف تهران آغاز می‌کنند.



چایلی و مربی آن



آلوین و مربی آن



خبرخوان

دستگیری بیش از ۷۰ مدعی فروش سؤالات کنکور

معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا از دستگیری بیش از ۷۰ نفر که مدعی فروش سؤالات کنکور ۱۴۰۴ بودند خبر داد. جواد مختاررضایی که در یک برنامه تلویزیونی صحبت می‌کرد، درباره تخلف‌های آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها گفت: درباره «فروش سؤالات کنکور» و «فروش پاسخنامه کنکور»، این اقدام‌ها مجرمانه قلمداد می‌شوند و کلاهبرداری است. پلیس فتا با بهره‌گرفتن از تیم‌های پایش خود نسبت به رصد شرایط، کانال‌ها و گروه‌های شبکه‌های اجتماعی اقدام می‌کند تا افراد متخلف را شناسایی کند. او درباره تعداد بازداشتی‌ها توضیح داد: «بیش از ۷۰ نفر بازداشت شده‌اند که این افراد دارای ۱۵۰ کانال و گروه در شبکه‌های اجتماعی هستند که مدعی فروش سؤال‌های کنکور بودند». معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا با بیان اینکه از گزارش‌های مردمی استقبال می‌کنیم، تأکید کرد: «پلیس فتا از هرگونه گزارش مردمی استقبال می‌کند. اگر مردم با گروه‌ها، کانال‌ها و سایت‌های مدعی فروش سؤال‌های کنکور، فروش پاسخنامه و تضمین قطعی در آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها روبه‌رو شدند، موارد را گزارش دهند. سامانه تلفنی ۰۹۶۳۸۰ برای ثبت گزارش‌های مردمی است». به گفته او، اگر مردم نسبت به پرداخت پول به افراد متخلف اقدام کرده‌اند، باید نسبت به ثبت شکایت اقدام کنند تا پلیس فتا با همکاری مقام قضائی به موضوع رسیدگی کند.



برداشت‌های آب‌های زیرسطحی و گردوغبار

ایستنا: معاون عمرانی استانداری تهران گفت: «مالج‌یاشی از برنامه‌های دولت برای رفع گردوغبار است، اما در نهایت این کار فقط قسمتی از مسئله گردوغبار را حل خواهد کرد و باید به سمت افزایش و جلوگیری از کاهش پوشش گیاهی برویم». کمال میرجعفریان با اشاره به دلایل گردوغبار در سطح پایتخت افزود: «منشا عمده به وجود آمدن گردوغبار، نبود پوشش گیاهی ناشی از خشک‌سالی چند سال اخیر است. این خشک‌سالی فقط در ایران رخ نداده و در کشورهای اطراف هم وجود داشته است». او درباره گردوغبار اخیر تهران گفت: «منشا گردوغبارهای اخیر هم داخل کشور و هم خارج از کشور بوده است، کاری که باید در خارج از کشور اتفاق بیفتد، تثبیت بیابان‌هاست. به‌صورت کلی مالج‌یاشی، تقویت پوشش گیاهی و احیای تالاب‌ها از راهکارهای لازم است». معاون عمرانی استانداری تهران با بیان اینکه در سطح استانی فعالیت‌های آسانی مثل معدن، برداشت‌های نامتعارف آب و پوشش‌های گیاهی ناشی از چراهای بی‌مورد ازجمله موارد ایجاد گردوغبار هستند، توضیح داد:

«باید حقایق تالاب‌های استان احیا و از چراهای بی‌مورد در پوشش‌های گیاهی جلوگیری شود؛ این اقدامات هم به‌صورت کلان و هم در داخل استان و کشور باید رخ دهد». او افزود: «مالج‌یاشی نیز از برنامه‌های دولت برای رفع گردوغبار است، اما در نهایت این کار فقط قسمتی از مسئله گردوغبار را حل خواهد کرد و باید به سمت افزایش و جلوگیری از کاهش پوشش گیاهی برویم. اگر رطوبت خاک برگردد و چراهای بی‌مورد انجام نشود، وضعیت بهتر خواهد شد». میرجعفریان تأکید کرد: «برداشت‌های نامتعارف آب‌های زیرسطحی که رطوبت خاک را از بین می‌برد از عوامل مهم ایجاد گردوغبار است که باید از آبخوان‌ها در قالب کارهای آبخیزداری و آبخوان‌داری نگهداری شود».